



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

## اصول الفقه (عام و خاص)

اعتبارات ماهیت ۶

جلسه ۱۴۵

استاد نجار زاده

### توضیح نظریه مصنف:

واضع وقتی اراده نمود بواسطه وضع لفظ در قبال معنا بر آن حکم نموده و آن را محکوم علیه قرار دهد؛ معنای آن این است که موضوع له را با غیر خودش سنجیده؛ لذا در چنین حالی، ذات معنا باید به یکی از اعتبارات سه گانه‌ای که در ماهیت وجود دارد ملاحظه شود و چون مقصود واضع آن است که وضع را به ذات معنا به ملاحظه تمام حالاتش سرایت دهد و جمیع قیود آن را نیز تحت پوشش وضع قرار دهد؛ به ناچار باید آن را به نحو «لا بشرط قسمی» ملاحظه کند؛ زیرا همان طوری که قبلا گذشت، این اعتبار ذهنی، از بین تمام اعتبارات، تنها طریقی است که بواسطه اش حکم بر ذات معنا صورت گرفته و در عین حال مصحح موضوعیت موضوع می‌باشد و باید توجه داشت که در وقت استعمال لفظ در ذات معنا، واجب نیست معنا به نحو «لا بشرط قسمی» ملاحظه شود؛ بلکه مادامی که موضوع ذات معنا است، می‌توان آن را به هر اعتباری که خواست در نظر گرفت؛ لذا در مرحله استعمال ممکن است نظر را تنها بر نفس معنا خلاصه کرده و آن را بما «هوهو» ملاحظه کرد؛ چنانچه امکان دارد آن را با غیر سنجیده و به یکی از انحاء سه گانه گذشته در نظر گرفت و همان طوری که مکررا گفته شد، ملاحظه کردن معنا به نحو «لا بشرط قسمی» در وقت وضع صرفا مصحح برای موضوعیت موضوع له بوده و این امر موجب آن نیست که اعتبار مزبور قید برای موضوع له باشد تا در نتیجه استعمالش در غیر آن، باعث مجازیت گردد. بنابراین وقتی اعتبار «لا بشرط قسمی» را در وقت وضع قید برای ذات معنی قرار ندادیم؛ دیگر موضوع له موجود ذهنی نمی‌شود؛ زیرا طبق آنچه گفتیم، موضوع له معنائی که اعتبار لا بشرط قید آن باشد نبوده؛ بلکه ذات معنا است و همان طوری که گذشت، استعمال مطلق در مقید، بنابراین مجاز نیست چه آنکه می‌توان ذات معنا را در وقت استعمال، با غیر قیاس نموده و به هر یک از اعتبارات سه گانه که از جمله آنها اعتبار معنا به نحو بشرط شیئی یعنی مقید است در نظر گرفت.